



Investigation of phonological processes and morphological and derivative sequences in Yazdian dialect

Mahmoud Sadeghzadeh, Sedigheh Ramazankhani

Abstract

Yazidian dialect is one of the oldest dialects in the center of Iran, which, though compared to the standard Persian has more variation in terms of phonetic features and native and historical vocabulary, in some cases, it has grammatical coordinates. This article is descriptive, analytical, and inferential, and cites the main phonological processes and a variety of definite syllables and derivative passages of the Yazdian dialect. Descriptive and historical grammar methods and reliable sources of Persian grammar have been used in the analysis. In Yazdian dialect, most types of phonological processes are used more or less including homogeneity, heterogeneity, inertia, vowel elongation, vowel compounding, deletion, heart, eternity; but consistent removal processes and homogeneous types are the most frequent processes. Except for phonetic differences and some special morphs, the rest are also very common as in Persian. The / n /- / negative form is used in both / næ / / and / ne- / . Some prepositions are mainly used in this dialect, such as: U / tu / 'in ' inside / flower / gæl / ' on, to / ' wedge / væj / ' instead, Instead "and the word kh / xo / " which "for emphasis. The sequential number is also obtained by adding a / /om / or a / /omi / to the original number, but the / /omin / suffix is not used for this purpose.

Key words: Yazdian dialect, phonological processes, morphemes , derivative sequences



بررسی فرایندهای واجی و تکواژهای صرفی و اشتقاقی در گویش یزدی

محمود صادق‌زاده^۱، صدیقه رمضانخانی^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده

زبان یزدی از کهن‌ترین زبان‌های مرکزی ایران به شمار می‌رود که هر چند در مقایسه با گویش معیار فارسی بیشتر به لحاظ ویژگی‌های آوایی و واژگان بومی و تاریخی متفاوت است؛ در برخی موارد از مختصات دستوری نیز برخوردار است. در این جستار به شیوه توصیفی، استشهادی و استنادی به بررسی اصلی‌ترین فرایندهای واجی و انواع تکواژهای تصریفی و وندهای اشتقاقی زبان یزدی پرداخته می‌شود. در زبان یزدی، بیشتر انواع فرایندهای واجی، شامل: همگونی، ناهمگونی، خیشوم‌شدگی، کشش واکه، مرکب‌شدگی واکه، حذف، قلب، ابدال کم و بیش به کار می‌رود؛ اما فرایندهای حذف همخوان و انواع همگونی از پربسامدترین فرایندها هستند. در کاربرد انواع تکواژ تصریفی و اشتقاقی به جز تفاوت آوایی و نیز چند مورد تکواژ ویژه، بیشتر همانند فارسی معیار است. گونه منفی ساز /ne-/ به دو شکل /næ-/ و /ne-/ به کار می‌رود. برخی حروف اضافه عمدتاً در این گویش به کار می‌روند؛ مانند: تو /tu/ «در؛ داخل / گُل /gæl/ «بر، به» / «به /væj/ جای، در عوض» و ... حرف ربط خُ /xo/ «که» برای تأکید.

واژگان کلیدی: گویش‌های بومی، لهجه یزدی، فرایندهای واجی، تکواژ صرفی، تکواژ اشتقاقی.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)
sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری پژوهش محور گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
framazankhani@gmail.com



گویش یا لهجه به شکل‌هایی از زبان گفته می‌شود که تفاوت‌های آوایی یا دستوری دارند؛ اما گویشوران متفاوت همچنان می‌توانند سخن یکدیگر را درک کنند. زبان یزدی را بیشتر باید لهجه دانست تا گویش ویژه؛ زیرا تفاوت اصلی آن در مقایسه با گویش معیار؛ ویژگی‌های آوایی، بعضی مختصات صرفی و نحوی و کاربرد تعدادی واژه‌های بومی است. البته زبان یزدی گویای یک زبان غنی و کهن ایرانی است که روزگاری دراز در پهنه گسترده‌ای و در بین عدّه زیادی از مردم رواج داشته است و متأسفانه اکنون تحت تأثیر عوامل و شرایط عصر امروز در حال ویرانی و فراموشی است. زبان‌شناسان، نیم‌زبان‌های (لهجه‌ها) جدید ایرانی را به دو دسته باختری و خاوری تقسیم کرده‌اند که لهجه یزدی جزو نیم‌زبان‌های مرکزی دسته باختری است که در بخش باختری فلات ایران تا حدود مرزهای عراق رواج دارد. نکته قابل ذکر این است که در بیشتر نیم‌زبان‌های مرزی از جمله لهجه یزدی آثار دیرینگی و آمیختگی کمتر با زبان عربی دیده می‌شود (ارانسکی^۱، ۱۳۷۸: ۴۸).

یکی دیگر از خصوصیات بارز چنین زبانی، وجود زبان زرتشتیان ساکن این منطقه، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین ساکنان این سرزمین است. زرتشتیان استان یزد در میان خود، به زبان نیاکانشان سخن می‌گویند؛ همچنان که یدالله ثمره در مطالعات زبانی خود می‌نویسد: «زبان‌های ایرانی را با توجه به ویژگی‌های متفاوت آن‌ها در دو شاخه شرقی و غربی طبقه‌بندی کرده‌اند و گویش یزدی - که جزو نیم‌زبان‌های مرکزی دسته باختری محسوب می‌شود - دارای ویژگی‌های خاص گویشی است که به علت همزیستی درازمدت با زبان دری زرتشتی دارای فهرست بلندی از واژگان با بار معنایی، فرهنگی و ساخت آوایی متمایز است» (ثمره، ۱۳۶۹: ۵۱).

هدف از این جستار؛ شناخت، تحلیل و بررسی مهم‌ترین دگرگونی‌ها و فرایندهای واجی و قواعد عناصر صرفی و اشتقاقی در زبان و لهجه یزدی است.

پیشینه تحقیق

درباره زبان یزدی تاکنون تحقیقات و تألیفاتی پدیده آمده است که تنها تعداد محدودی از آن به صورت کتاب و بقیه به شکل پایان‌نامه و مقاله تهیه و تدوین شده‌اند؛ از جمله:

۱. ایرج افشار: «واژه‌نامه یزدی» (۱۳۸۹) که به تعدادی واژه به ویژه واژه‌های میبیدی (که زادگاهش نیز بوده)، پرداخته و بدان سبب که سال‌ها از یزد دور بوده است، برخی کلمات از نظر آوایی غلط ثبت شده‌اند؛ ۲. کتایون مزداپور: «واژه‌نامه گویش بهمدینان شهر یزد» (۱۳۷۴) که در هر دو به برخی از واژگان زرتشتیان توجه شده و از نظر اتیمولوژی بحثی به میان نیامده است؛ ۳. سیدعلی نقیب‌القراء: پایان‌نامه «بررسی گویش یزدی» (۱۳۷۵) که تا حدودی به مبحث فرایندهای واجی و زبان‌شناختی گویش یزدی پرداخته است؛ ۴. فخرالسادات خامسی‌هامانه: «تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی» (۱۳۹۲)؛ وی نیز از نظر زبان‌شناختی و فقه‌اللغه به برخی از واژگان یزدی پرداخته و در پایان، به بعضی از ترکیبات و کنایات یزدی به شکل محدود اشاره کرده است. از آنجا که مبحث گویش‌ها ابعاد گوناگونی دارند، هنوز جای آن است که به شکل علمی‌تری به ابعاد گوناگون آنها پرداخته شود.

مبانی نظری تحقیق

زبان‌ها تحت تأثیر عوامل و شرایط بیرونی و درونی و موقعیت‌های زمانی و مکانی دارای گونه‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف هستند.

گونه: گونه‌ها اشکال زبانی هستند که با توجه به موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط خاص به کار برده می‌شوند.

گویش: به شکل‌هایی از زبان گفته می‌شود که علاوه بر تلفظ و لهجه در انتخاب کلمات و قواعد دستوری نیز با هم فرق داشته باشند.

لهجه: بیشتر به جنبه‌های تلفظی محدود است و مشخص می‌کند، فرد متکلم از نظر منطقه‌ای یا اجتماعی اهل کجاست؛ در حالی که گویش، ویژگی‌های دستوری و واژگانی و همچنین تلفظی را دربر می‌گیرد (همان: ۲). در واقع، «به گونه زبانی خاص هر ناحیه»





جغرافیایی لهجه گفته می‌شود» (مشکوٰۃ اللّٰئینی، ۱۳۸۶: ۲۴). بنابراین، «گویش با لهجه تفاوت دارد؛ لهجه گونه‌ای است از یک زبان که با لهجه‌های دیگر آن زبان، هسته ارتباطی مشترک دارد، ولی گویش‌های یک کشور با یکدیگر و با زبان رسمی، هسته ارتباطی مشترک ندارند؛ یعنی، سخن‌گویان آن‌ها جز در موارد حاشیه‌ای بدون آموزش سخن یکدیگر را نمی‌فهمد (باطنی، ۱۳۷۴: ۲۸).

البته لهجه‌ها بر سه گونه‌اند: فردی، محلی و اجتماعی. (۱) لهجه فردی: اصولاً «هیچ دو نفری که اهل یک زبان هستند، دقیقاً مانند هم صحبت نمی‌کنند. بنابراین می‌توان گفتار هر فرد را به اعتبار تفاوت‌هایی که با دیگران دارد، هر چند ناچیز باشد، لهجه فردی آن شخص نامید» (باطنی، ۱۳۷۴: ۲۴). (۲) لهجه محلی: «لهجه‌های فردی را می‌توان در گروه‌های بزرگ‌تری طبقه‌بندی کرد. مهم‌ترین ملاک این طبقه‌بندی عامل مکانی است؛ یعنی می‌توان لهجه‌های فردی را به اعتبار تنوع جغرافیایی آن‌ها در گروه‌های بزرگ‌تری قرار داد و هر گروه را یک لهجه محلی نامید؛ مانند: اصفهانی، شیرازی، یزدی و ...». (۳) لهجه اجتماعی: که به جایگاه طبقه اجتماعی و سخن‌گویان آن زبان خاص بستگی دارد (باطنی، ۱۳۷۴: ۲۵-۲۴). از این‌رو، «حد و مرز زمانی گویش‌ها نیز به همان اندازه مبهم و نامشخص است که حد و مرز جغرافیایی آن‌ها. تغییرات آوایی هم مثل هر تغییر زبان‌شناختی دیگر، می‌باید در محدوده زمانی معینی آغاز شود و در همان محدوده نیز به پایان برسند، درست به همان صورت که تغییرات مزبور می‌باید در گستره جغرافیایی مشخصی اتفاق افتند» (روبینز، ۱۳۷۰: ۴۰۳-۴۰۲).

آواشناسی، واج‌شناسی: آواشناسی، توصیف علمی آواهای زبان است و بیشتر پدیده‌ای فیزیکی و عینی است؛ اما واج‌شناسی، بررسی نظام صوتی زبان است که پدیده‌ای ذهنی و مجرد به شمار می‌رود. از این‌رو، «واج‌شناسی همان توصیف نظام‌ها و الگوهای صوتی است که در یک زبان وجود دارد. آواشناسی دربرگیرنده مطالعه یک زبان برای تعیین اصوات ممیز آن، یعنی اصواتی که تفاوت معنایی ایجاد می‌کنند»، است (لده‌فونگه،

فرایندهای واجی: آواها و واج‌های هر زبان به دلیل عوامل گوناگون و نیز اصل اقتصاد زبانی و قانون کم‌کوشی و آسان‌گویی به شکل‌های مختلف دچار تحول، سایش و فرسایش می‌شوند. دگرگونی‌های صامت‌ها (هم‌خوان‌ها) و مصوت‌ها (واکه‌ها) در همه دوره‌های زبان فارسی دیده می‌شود؛ در دوران کنونی نیز مصوت‌ها و صامت‌های بسیاری به شکل ابدال، کاهش، افزایش، همگونی، ناهمگونی و ... تغییر کرده‌اند (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۶: ۷۱-۶۴).

تکواژهای اشتقاقی و تصریفی: (۱). تکواژهای اشتقاقی: شامل پیشوندها و پسوندی‌هایی هستند که با پایه واژه فعل یا غیرفعل ترکیب می‌شوند و نوع کلمه و مقولۀ دستوری از حاصل از اشتقاق را متفاوت می‌کنند. (۲). تکواژهای تصریفی: تکواژهایی که «برای همهٔ واژه‌های هر دسته و مقوله به طور یکسان و فعّال به کار می‌روند و مقولۀ واژه حاصل را نسبت به پایهٔ واژه تغییر نمی‌دهند»؛ مانند: نشانه‌های جمع، نشانه‌های نکره، نشانه‌های برتر، پیشوندهای فعلی، شناسه‌های فعل و ... (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸).

روش تحقیق

در این جستار براساس روش کتابخانه‌ای و میدانی و به شیوۀ توصیفی، تحلیلی و استشهادی و استنادی به بررسی اصلی‌ترین فرایندهای واجی و انواع تکواژهای صرفی و اشتقاقی در زبان شهر یزد پرداخته شده است. از این‌رو، بیشتر بر مبنای روی کرد توصیفی، صوری و مکانیکی و با بهره جستن از تألیفات و مقالات مرتبط، مهم‌ترین قواعد آوایی و تکواژهای دستوری در مقایسه با گویش معیار، تحلیل و بررسی می‌شود. روش مکانیکی^۱ عمدتاً به دو شیوۀ محض و هدایت شده انجام می‌شود. شیوۀ مکانیکی محض بیشتر از ضبط نمونه‌هایی از گفتار عادی گویشوران در محیط ادای پاره‌گفتار برای استخراج و بررسی آواها استفاده می‌شود. شیوۀ مکانیکی هدایت شده، بیشتر به منظور فراهم کردن شواهدی برای ویژگی‌های زبانی و فرایندهای واجی از طریق ضبط گفتار گویشوران به کار گرفته می‌شود (پاک‌نژاد و ویسی، ۱۳۹۵: ۳).





جمع آوری اطلاعات شفاهی بیشتر از طریق ضبط گفته‌های گویشوران در چهارچوب قصه‌گویی، گفتن خاطره و سرگذشت و یا بیان برخی جملات از قبل تعیین شده و نیز از طریق فیش‌برداری بوده و در اندک مواردی به علت نوع مخاطب که اغلب سال‌خورده و گاه بی‌سواد بوده‌اند، از روش پرسشنامه‌ای استفاده شده است.

بحث

مهم‌ترین فرایندهای واجی در گویش یزدی

زبان در گذر زمان دچار تغییر و تحول می‌شود. از آن جایی که زبان یک پدیده اجتماعی است و اجتماع دائماً در حال تغییر است؛ بنابراین زبان هم پایه‌ی اجتماع دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. اصوات زبانی روی هم اثر می‌گذارند و به هم تبدیل می‌شوند، یا صوتی به صوت مجاور خود شبیه می‌شود یا صوتی روی صوت قبل از خود یا بعد از خود تأثیر می‌گذارد و آن را به خود شبیه و یکسان می‌کند یا شباهت خود را از دست می‌دهد. گاهی برای سهولت در امر گفتار صوتی از زنجیره گفتار حذف می‌شود و گاهی نیز صدایی به آن اضافه می‌گردد. «به این تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها و تغییرات آوایی و تحولات واژگانی، فرایندهای آوایی گفته می‌شود» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۴: ۱۰۸).

در زبان‌شناسی، این دگرگونی‌ها و تغییرات آوایی به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شوند که در این بخش به توضیح برخی از این فرایندهای آوایی در گویش یزدی پرداخته می‌شود. فرایندهای عمومی عبارتند از: همگونی، ناهمگونی، حذف، اضافه، ابدال، قلب، افزایش، خیشومی‌شدگی، کشش واکه و ...

همگونی^۱: همگونی، فرآیندی است که در آن یک صوت با صوت مجاور خود شبیه یا همانند شود. همگونی می‌تواند همخوانی یا واکه‌ای، کامل یا ناقص، پیشرو یا پسرو باشد. همگونی در گویش یزدی، بسیار رایج و پرکاربرد است.

الف) همگونی همخوانی: فرآیندی است که یک همخوان با همخوان مجاور خود شبیه یا همانند گردد و شامل موارد زیر است:

- همگونی همخوانی کامل: اگر همخوانی، همه خصوصیات واج مجاور خود را بگیرد، همگونی کامل صورت گرفته است؛ مانند:

/ʔostad/ → /ʔossa/	اسا «استاد»
/dæste/ → /dæsse/	دسه «دسته»
/bæste/ → /bæsse/	بسه «بسته»
/ʃekæste/ → /ʃekesse/	شکسه «شکسته»
/xæste/ → /xæsse/	خسه «خسته»
/dæsti/ → /dæssi/	دسی «دستی»

در این مثال‌ها، مشاهده می‌کنیم که صوت /s/ روی صوت /t/ اثر گذاشته و آن را کاملاً با خودش یکسان نموده و /t/ به /s/ تبدیل شده است.

- همگونی همخوانی ناقص: در همگونی همخوانی ناقص، همخوانی در مجاورت یک همخوانی دیگر، بعضی از خصوصیات واج مجاور خود را می‌گیرد و کاملاً با آن یکسان نمی‌شود؛ همانند:

/ʃænbe/ → /ʃæmbɛ/	شنبه «شنبه»
/menbær/ → /mæmbær/	ممبر «ممبر»
/donbe/ → /dombɛ/	دمبه «دنبه»
/ʔinbar/ → /embær/	إمبار «این بار»
/donbal/ → /dombal/	دُمبال «دنبال»

چنان که در این مثال‌ها مشاهده می‌کنید، همگونی ناقص صورت گرفته است و فقط /n/ به /m/ تبدیل شده است. یعنی /n/ خصیصه دولبی را از /b/ دولبی گرفته و به /m/ که دولبی است، تبدیل شده است.

- همگونی همخوانی پیشرو: هر وقت یک همخوان روی همخوان بعد از خود اثر بگذارد و آن را شبیه یا همانند خود کند، آن را همگونی همخوانی پیشرو می‌نامند؛ مانند:

/dæste/ → /dæsse/	دسه «دسته»
-------------------	------------





در این مثال می‌بینیم، صورت /s/ روی صوت بعد از خود؛ یعنی صوت /t/ اثر گذاشته و آن را همانند خود نموده است. مثال‌های بیشتر در همگونی همخوانی کامل توضیح داده شده است.

- همگونی همخوانی پسرو: هرگاه همخوانی روی همخوانی قبل از خود اثر بگذارد و آن را شبیه یا همانند خود کند، آن را همگونی همخوانی پسرو می‌نامند؛ مانند:

شَمبَه «شنبه» /ʃænbe/ → /ʃæmbe/

در این مثال، می‌بینیم که واج /b/ روی واج /n/ قبل از خود اثر گذاشته و خصیصه دولبی خود را به آن داده است.

ب). **همگونی واکه‌ای**: همگونی واکه‌ای فرآیندی است که در آن یک واکه از یک هجا با واکه‌ای از هجای دیگر شبیه یا همانند گردد؛ مانند:

شکسَه «شکسته» /ʃekæste/ → /ʃekesse/

خنک «خنک» /xonæk/ → /xonok/

سیبیل «سیبیل» /sebil/ → /sibil/

بیگیر «بگیر» /begir/ → /bigir/

چنانکه ملاحظه می‌کنید، در مثال یک /æ/ تحت تأثیر /e/ قبل از خود، به /e/ تبدیل شده و در مثال دوم، /æ/ تحت تأثیر /o/ قبل از خود، به /o/ تغییر یافته است.

ناهمگونی^۱: برخلاف همگونی، در فرآیند ناهمگونی دوصوتی که با هم شبیه هستند، شباهت خود را از دست می‌دهند و خصیصه آوایی دیگری را کسب می‌کنند؛ مانند:

ندار «ندار» /nadar/ → /nedar/

نزا «نزا» /naza/ → /neza/

نشناس «ناشناس» /našenas/ → /næšnas/

خیشومی شدگی^۲: خیشومی شدگی فرآیندی است که در آن یک واکه تحت تأثیر

1- dissimilation
2- nasalization

همخوان خیشومی /n/ و یا خوشه همخوانی /nd/ مجاور خود خیشومی می‌شود.

خیشومی شدگی، یک فرآیند پربسامد در گویش یزدی است؛ مثال:

/mæn/ → /mæ̃n/ «من»

/zæn/ → /zæ̃n/ «زن»

/bon/ → /bõn/ «بن»

/karmænd/ → /karmæ̃n/ کارمن «کارمند»

/qænd/ → /qæ̃n/ قن «قند»

/čænd/ → /čæ̃n/ چن «چند»

در مثال‌هایی که به /nd/ ختم می‌شوند، علاوه بر آنکه واکه قبل از /n/ خیشومی می‌شود،

صوت /d/ نیز حذف می‌شود.

کشش واکه: کشش واکه فرآیندی است که در آن یک همخوان حذف و واکه قبل از آن

کشیده‌تر تلفظ می‌شود. این فرآیند در گویش یزد پربسامد است. در بسیاری از واژه‌ها، /h/ یا /ʔ/ حذف، و واکه قبل از آن کشیده‌تر می‌گردد؛ مانند:

/sobh/ → /so:b/ صب «صبح»

/mæhtab/ → /mæ:tow/ متو «مہتاب»

/zæhra/ → /zæ:ra/ زرا «زہرا»

/mæhmud/ → /mæ:mud/ ممود «محمود»

/mæšhæd/ → /mæ:šæd/ مشد «مشهد»

/næʔna/ → /næ:na/ ننا «نعنا»

/šeʔr/ → /še:r/ شر «شعر»

/šæmʔ/ → /šæ:m/ شم «شمع»

/mæʔlum/ → /mæ:lum/ ملوم «معلوم»

مرگب شدگی واکه! در این فرآیند، یک واکه ساده به واکه مرگب تبدیل می‌شود و در





گویش یزدی بسیار پربسامد است. در بسیاری از واژه‌ها واکه /a/ و /æ/ به /ow/ تبدیل می‌شود؛ مانند:

/ʔab/ → /ʔow/	اُو «آب»
/ʔabsal/ → /ʔowsal/	اوسال «آبسال»
/xab/ → /xow/	خُو «خواب»
/tab/ → /tow/	تُو «تاب»
/gav/ → /gow/	گُو «گاو»
/mæhtab/ → /mæ:tow/	مَتُو «مهتاب»
/golab/ → /golow/	گَلُو «گلاب»
/šæb/ → /šow/	شُو «شب»
/čadoršæb/ → /čadišow/	چادیشُو «چادرشب»
/kæfš/ → /kowš/	کُوَش «کفش»
/tæb/ → /tow/	تُو «تب»
/kæbk/ → /kowk/	کُوک «کبک»

حذف^۱: در این فرآیند، یک صوت یا چند صوت از واژه حذف می‌گردد. گاهی یک هجا یا بیشتر در واژه‌ای حذف می‌شود. حذف /h/ و /ʔ/ در پایان واژه، یکی از پربسامدترین انواع حذف است. حذف هم در پایان واژه و هم در میان واژه اتفاق می‌افتد. فرآیند حذف در گویش یزدی بسیار رایج و پرکاربرد است. حذف، فرآیندی است که برای سهولت در امر گفتار به کار می‌رود. فرآیند حذف شامل حذف همخوان، واکه و هجا می‌شود.

الف) حذف همخوان: در گویش یزدی حذف همخوان /h/ و /ʔ/ در پایان واژه، بسیار رایج و پربسامد است. حذف این دو همخوان در میان واژه نیز اتفاق می‌افتد.

حذف پایانی /h/ و /ʔ/:

/kola/ → /kola/	کلا «کلاه»
-----------------	------------



/nega/ → /nega/	نگا «نگاه»
/xale/ → /xalɛ/	خاله «خاله»
/dæste/ → /dæstɛ/	دسته «دسته»
/fateme/ → /tatemɛ/	فاطمه «فاطمه»
/male/ → /malɛ/	ماله «ماله»
/mowzuʔ/ → /malɛ/	موضوع «موضوع»
/ʔemlaʔ/ → /ʔemla/	املا «املاء»
/mæmnuʔ/ → /mæmnu/	ممنوع «ممنوع»
/mæʔmur/ → /mæ:mur/	مَمور «مأمور»
/qaneʔ/ → /qane/	قان «قانع»

– حذف همخوان /h/ و /ʔ/ در میان واژه:

/mohsen/ → /mo:sen/	مُسن «محسن»
/sæhra/ → /sæ:ra/	صرا «صحرا»
/næʔna/ → /næ:na/	ننا «نعنا؛ نعناع»
/ræʔna/ → /ræ:na/	رنا «رعنا»
/mæʔmur/ → /mæ:mur/	مَمور «مأمور»
/mæʃhæd/ → /mæ:ʃæd/	مشد «مشهد»

یکی دیگر از حذف‌های پربسامد در گویش یزدی حذف صوت /t/ و /m/ پایانی است

که قبیل از آن صوت /ʃ/, /s/, /x/ و /z/ آمده باشد؛ مانند:

/dæst → /dæs/	دس «دست»
/mast/ → /mas/	ماس «ماست»
/kašt/ → /kaš/	کاش «کاشت»
/pošt/ → /poš/	پُش «پشت»
/pæšm/ → /pæš/	پَش «پشم»



/češm/ → /čæš/	چَش «چشم»
/duxt/ → /dux/	دوِخ «دوخت»
/sæxt/ → /sæx/	سِخ «سخت»
/yæzd/ → /yæz/	یِز «یزد»
/dozd/ → /doz/	دِز «دزد»
/dæstmal/ → /dæsmal/	دِسمال «دستمال»
/xeštmal/ → /xešmal/	خِشمال «خشتمال»

در اینجا به ذکر چند نمونه دیگر از حذف همخوان اشاره می‌کنیم؛ مانند: حذف /d/ در خوشه همخوانی /nd/ در پایان واژه یا هجا که با خیشومی شدگی واکه قبل از /n/ همراه است.

/qænd/ → /qān/	قِن «قند»
/qændšekæn/ → /qānšekān/	قِن شِکِن «قندشکن»
/dæstbænd/ → /dæsbān/	دِسبِنَد «دستبند»
/čænd/ → /čān/	چِن «چند»

– حذف /g/ در خوشه همخوانی /ng/ در پایان واژه یا هجا:

در این فرآیند، با حذف /g/ پایانی، صوت /y/ به قبل از /n/ اضافه می‌گردد؛ مانند:

/ræng/ → /ræyn/	رِیِن «رنگ»
/rængmali/ → /ræynmali/	رِیِن مَالِی «رنگ‌مالی»
/sæng/ → /sæyn/	سِیِن «سنگ»
/jæng/ → /jæyn/	جِیِن «جنگ»

– حذف /z/ پایانی قبل از صوت /u/:

/emruz/ → /emru/	امِرو «امروز»
/diruz/ → /diru/	دِیرو «دیروز»
/hænuz/ → /hænu/	هِنو «هنوز»

لازم به ذکر است که واژه‌های یک هجایی از این قاعده مستثنی هستند؛ یعنی /z/ پایانی در کلمات یک هجایی حذف نمی‌شود؛ مانند:

/ruz/ → /ruz/ روز «روز»

/quz/ → /γuz/ غوز «قوز»

– حذف /k/ در واژه «یک» در کلمات زیر:

/yek + ta/ → /yæta/ یتا «یک عدد، یکی»

/yek + bar/ → /yæbar/ بیار «یک بار»

/yek + ruz/ → /yæru/ یرو «یک روز»

/yek + šab/ → /yæšow/ یَشُو «یک شب»

/yek + jur/ → /yæjur/ یَجُور «یک جور»

/yek + dæfʔe/ → /yædæfʔe/ یدَفَه «یک دفعه»

ب) حذف واکه:

– حذف /æ/ در کلمات زیر:

/sædæme/ → /sædme/ صدمه «صدمه»

/biyændazæm/ → /bendazæm/ بتدازم «بیندازم»

– حذف /e/ در واژه‌های زیر:

/bešekæn/ → /beškæn/ بشکن «بشکن»

/beferest/ → /befres/ بفرس «بفرست»

/bešemar/ → /bešmar/ بشمار «بشمار»

/bešenow/ → /bešnow/ بشنو «بشنو»

/næšemar/ → /næšmar/ نشمار «نشمار»

/næšekæn/ → /næškæn/ نشکن «نشکن»

/mišekænæd/ → /meškæne/ مشکنه «می‌شکند»

/ʔarezu/ → /ʔarz/ آرز «آرزو»





/ʔseman/ → /ʔasmun/

آسمون «آسمان»

پ) حذف هجا:

/ʔaqa mohæmmæd/ → /ʔa mæmmæd/

آممد «آقامحمد»

/ʃahzade/ → /ʃazze/

شازّه «شازده»

/sækinæ/ → /sækin/

سکین «سکینه»

/mæʃhadi mohæmmæd/ → /mæʃ mæmmæd/

مش ممد «مشهدی محمد»

/bayæsti/ → /basi/

باسی «بایستی»

/mibayæd/ → /meba(d)/

مبا (د) «می باید»

(البته در گویش یزدی، دو گونه «مبا» و «مباد» رایج است).

/mibayæst/ → /meba(s)/

مبا («می بایست»):

(در گویش یزدی، هر دو گونه «مبا» و «مباس» کاربرد دارد).

/mahælle/ → /mæ:le/

مله «محلّه»

/karævansera/ → /karumsera/

کاروم سرا «کاروان سرا»

/pirahæn/ → /peræn/

پرن «پیراهن»

/ʔinqædær/ → /ʔeqqæ/

اَقّه «اینقدر»

/xahær/ → /xa:r/

خوار «خواهر»

– حذف هجای /ye/ و /yæ/ در واژگان زیر:

/bayæsti/ → /bas(i)/

باس (ی) «بایستی»

(در گویش یزدی، دو گونه «باس» و «باسی» به کار می رود).

/bayæd/ → /ba(d)/

با (د) «باید»

(در گویش یزدی، هر دو گونه «با» و «باد» کاربرد دارد).

/ʔarayeš/ → /ʔaraš/

آرایش «آرایش»

/girayeš/ → /giraš/

گیراش «گیرایش»

– حذف هجای /æ/ در واژه های زیر:



/be + ?ændaz/ → /bendaz/ بتداز «ب + انداز»
/næ + ?ændaz/ → /nændaz/ ننداز «ن + انداز»
/mi + ?ændazæd/ → /mendazæ/ مندازه «می + اندازد»

– حذف هجای /væ/ در کلمات زیر:

/mi?aværæd/ → /miyaræ/ میاره «می آوَرَد»
/mi?aværd/ → /miyord/ میوَرَد «می آوَرَد»
/be + ?avær/ → /biyar/ بیار «بیاور»

افزایش^۱: در این فرآیند یک صوت یا اصواتی به زنجیره گفتار اضافه می شود که آن را «افزایش» گویند. این فرآیند برخلاف فرآیند حذف در گویش یزدی، پرکاربرد نیست که به چند مورد اشاره می شود.

الف). افزایش واکه

– افزایش /ɛ/:

/ʃælse/ → /ʃɛlse/ جلسه «جلسه»

/nesf/ → /nesfɛ/ نصفه «نصف»

/čenardan/ → /čenardunɛ/ چناردونه «چناردان»

/?ælan/ → /?ælane/ الانه «الان»

– افزایش واکه های دیگر:

– افزایش /o/:

/torš/ → /toroš/ ترش «ترش»

– افزایش /e/:

/yædgar/ → /yadegar/ یادگار «یادگار»

– افزایش /i/:

/gowdal/ → /gowdali/ گودالی «گودال»

**ب) افزایش همخوان:**

- افزایش /t/:

/do + ta/ → /dotta/

دوتا «دو تا»

/kæk/ → /kætk/

کتک «کک»

- افزایش /n/ در فعل «چیدن»:

/čidæn/ → /čindæn/

چیندن «چیدن»

/čidæm/ → /čindæm/

چیندم «چیدم»

/čidim/ → /čindem/

چیندم «چیدیم»

- افزایش /n/ و /j/:

/gereh/ → /gerenj/

گرینج «گره»

قلب^۱: جابه‌جایی دو صوت در یک واژه - که معمولاً همجوار هستند - را، فرآیند «قلب»

گویند که البته در گفتار افراد مسنّ و بی‌سواد و کودکان شنیده می‌شود؛ مانند:

/qofl/ → /qolf/

قلف «قفل»

/ketri/ → /kerti/

کرتی «کتری»

/batri/ → /barti/

بارتی «باطری»

/?æks/ → /?æsk/

عسک «عکس»

/sætl/ → /sælt/

سلط «سطل»

/ketf/ → /keft/

کتف «کتف»

/nosxeh/ → /noxse/

نخسه «نسخه»

ابدال^۲: ابدال، تغییر یک صوت به صوت دیگر در زنجیره گفتار است؛ به گونه‌ای که این

تغییر در قالب فرایندهای آوایی؛ چون: همگونی، ناهمگونی، خیشومی‌شدگی و ... قرار

نمی‌گیرد که در زیر به مواردی از آنها اشاره می‌گردد:

1- metathesis
2- shift

الف) همخوان‌ها: ابدال در همخوان‌ها کاربرد بیشتری دارد؛ یعنی تبدیل یک همخوان به همخوانی دیگر به طوری که نتوان آن را با فرآیندهای آوایی توضیح داد. به مواردی از آنها اشاره می‌گردد؛ مانند:

– تبدیل /b/ به /v/:

/bazkærdæn/ → /vakerdæn/ وا کردن «باز کردن»

/bærxiz/ → /væxi/ وخی «برخیز»

/bazkærd/ → /vakerd/ واکرد «باز کرد»

/bærdašt/ → /værdaš/ ورداش «برداشت»

/bærkærdæn/ → /værkerdæn/ ورکردن «بر کردن»

– تبدیل /v/ به /ɾ/:

/divar/ → /dival/ دیوال «دیوار»

/sorfe/ → /solfe/ سلفه «سرفه»

/sulax/ → /surax/ سولاخ «سوراخ»

/xorfe/ → /qolfe/ قلفه «خُرفه، تخم خرفه»

/satur/ → /satul/ ساتول «ساتور»

– تبدیل /y/ به /ɾ/:

/pašuye/ → /pašure/ پاشوره «پاشویه»

/dæhanšuye/ → /dæhænšure/ دهن‌شوره «دهان‌شویه»

– تبدیل /d/ به /t/:

/damad/ → /dumat/ دومات «داماد»

/ʔard/ → /ʔart/ آرت «آرد»

/gærd/ → /gært/ گرت «گرد»

/kard/ → /kart/ کارت «کارد»

– تبدیل /b/ به /f/:



/jib/ → /jif/

جیب «جیب»

/tænab/ → /tenaf/

طناف «طناب»

- تبدیل /č/ به /š/:

/hičta/ → /hišta/

هیش تا «هیچ تا»

/hičkæs/ → /hiškε/

هیش که «هیچ کس»

- تبدیل /q/ به /x/:

/næqše/ → /næxše/

نخشه «نقشه»

/væqt kærdæn/ → /væx kerdæn/

وخ کردن «وقت کردن»

/væqti/ → /væxti/

وختی «وقتی»

ب) واژه‌ها:

- تبدیل /æ/ به /ow/:

/læb/ → /low/

لو «لب»

/tæb/ → /tow/

تو «تب»

/kæfš/ → /kowš/

کوش «کفش»

/šæb/ → /šow/

شو «شب»

- تبدیل /a/ به /ow/:

/ʔab/ → /ʔow/

اُو «آب»

/tab/ → /tow/

تُو «تاب»

/gav/ → /gow/

گُو «گاو»

/xab/ → /xow/

خُو «خواب»

- تبدیل /o/ به /u/:

/šokolat/ → /šukulat/

شوکولات «شکلات»

/naxon/ → /naxun/

ناخون «ناخن»

/salon/ → /salun/

سالون «سالن»





/šam/ → /šum/

/bam/ → /bun/

/dane/ → /dunɛ/

/šane/ → /šunɛ/

/miʔændazæd/ → /mendazɛ/

/gorixtæn/ → /gorextæn/

/mirza/ → /merza/

/ček/ → /čæk/

/yeki/ → /yæki/

/češm/ → /čæš/

- تبدیل /a/ به /u/:

شوم «شام»

بون «بام»

دونه «دانه»

شونه «شانه»

- تبدیل /i/ به /e/:

مِندازه «می اندازد»

گریختن «گریختن»

مرزا «میرزا»

- تبدیل /e/ به /æ/:

چَک «چک»

یَکی «یکی»

چش «چشم»

نشانه‌های آوایی

الف) نشانه‌های اصلی

معادل فارسی	گویش یزدی	مثال:	خط فارسی	نشانه‌های آوایی
همخوان‌ها: ^۱				
کثیف	/pečol/	پچل	پ	P
زنبور	/bowz/	بوز	ب	B
خمره	/tepu/	تپو	ت	T
دسته	/dæsse/	دسه	د	D
کبوتر	/kæftær/	کفتر	ک	K
جذاب	/gira/	گیرا	گ	G
قیف	/qem/	قِم	ق	Q



طحال	/ʔespol/	اسپل	ء، ع	ʔ
طناب کلفتی که از لیف خرما درست می‌کنند.	/sazu/	سازو	س، ث، ص	S
زیرجامه؛ زیرشلوار	/ziʒumε/	زیجومه	ز، ذ، ض، ظ	Z
سیلی محکم	/ʃatæs/	شاتس	ش	Š
ژاله	/ʒalε/	ژاله	ژ	Ž
گشاد	/ferax/	فراخ	ف	F
بر کردن، پوشیدن	/væ:rjerdæn/	ور کردن	و	V
خوب، خوشمزه	/xæš/	خش	خ	X
قوز، خمیدگی کمر	/ɣuz/	غوز	غ	Γ
حتماً	/hokmæn/	حکماً	ح، ه	H
مچاله	/čomolε/	چُمَله	چ	Č
سریع، زود	/jældi/	جلدی	ج	Ĵ
گردن	/mol/	مُل	م	M
نارنج	/nareyn/	نارین	ن	N
شن‌کش	/rettε/	رته	ر	R
کلفت، ضخیم	/lok/	لُک	ل	L
قاطر	/yaboo/	بابو	ی	Y
جوها	/jowowoa/	جووا	و	W

واکه‌ها:				
خیس؛ نم	/xis/	خیس		I
خشت	/xeš/	خِش	اِ	E
برنج دم‌پخت	/ketε/	کته	آ (کوتاه)	ε
قورباغه	/bæk/	بک	آ (بلند)	Æ
آن طرف	/ʔura/	او را	او	U
سر؛ متقار	/nok/	نُک	أ	O
آرد	/ʔart/	آرت	آ	A
گلاب	/golow/	گُلُو	أُو	Ow
میل؛ رغبت	/meil/	مِیل	اِی	Ey



(ب) سایر نشانه‌ها:

۱. کشش واکه، مانند: متو /mæ:tow/ مهتاب.
۲. / / نشانه واج‌نویسی؛ نشانه آوانویسی.
۳. [] نشانه آوانویسی.
۴. تبدیل می شود به.
۵. c نشانه همخوان.
۶. v نشانه واکه.
۷. () نشانه اختیاری؛ می تواند باشد یا حذف شود.

۲-۵. انواع وندهای تصریفی

وندهای تصریفی: وندهای وجه‌نمایی می /mi-/ و ب /be-/ وندهای نفی و شناسه‌های فعل وندهای تصریفی نامیده می‌شوند.

۱-۲-۵. وندهای وجه‌نما: وندهای وجه‌نما در گویش یزدی، مانند فارسی معیار می /mi-/ و ب /be-/ می‌باشند که بر سر افعال مضارع اخباری و گذشته استمراری در می‌آید و /be-/ بر سر افعال مضارع التزامی و امر در می‌آید. تفاوت عمده آن است که این تکواژها هر کدام در گویش یزدی چهارگونه‌وارند.

(الف). می /mi-/ :

- | | | | |
|-------------|---|------------|--------------------------|
| /mi/ | → | /mi-/ | ۱. /mi/ بدون تغییر: |
| /mixisæd/ | → | /mixise/ | می خیسید «می خیسید» |
| /minešinæd/ | → | /mišine/ | می شینه «می نشیند» |
| /mi-/ | → | /mo-/ | ۲. تبدیل /mi-/ به /mo-/: |
| /mixoræd/ | → | /moxore/ | مُخوره «می خورد» |
| /migorizæd/ | → | /mogorize/ | مُگریزه «می گریزد» |



۳. تبدیل /mi-/ به /me-/:
/mi-/ → /me-/
/mitærsæd/ → /metærsɛ/
مترسه «می ترسد»
/mikaræd/ → /mekkærɛ/
مکاره «می کارد»

۴. تبدیل /mi-/ به /mu-/:
/mi-/ → /mu-/
/mixanæd/ → /muxunɛ/
مُوخونه «می خواند»
/mikubæd/ → /mukkuwɛ/
مُوکُووه «می کوبد»

ب) بَ /be-/:

۱. /be-/ بدون تغییر:
/be-/ → /be-/
/bekar/ → /bekkar/
بَکار «بکار»
/bedar/ → /bedær/
بدر «بدر» - پاره کن

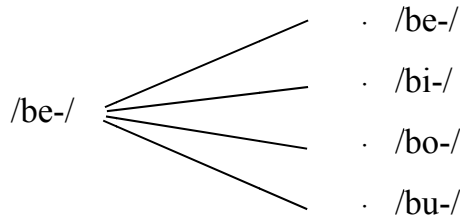
۲. تبدیل /be-/ به /bi-/:
/be-/ → /bi-/
/begir/ → /bigir/
بیگیر «بگیر»
/benešin/ → /bišin/
بیشین «بنشین»

۳. تبدیل /be-/ به /bo-/:
/be-/ → /bo-/
/begir/ → /bexor/
بُخور «بخور»
/begoriz/ → /bogoriz/
بُگریز «بگریز»

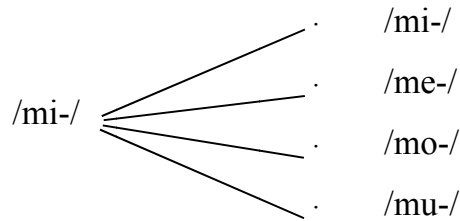
۴. تبدیل /be-/ به /bu-/:
/be-/ → /bi-/
/bexan/ → /buxun/
بوخون «بخوان»
/begu/ → /bugu/
بُوگو «بگو»

بنابراین، تکواژهای وجه‌نمای می /mi-/ و بَ /be-/ را می‌توان به شکل زیر خلاصه

نمود:



و



۵-۲-۲. تکواژ منفی: تکواژ منفی در گویش یزدی همانند فارسی /næ-/ است که به

صورت پیشوند قبل از فعل، اضافه می‌شود. لازم به ذکر است که در یزدی، گونه /nɛ-/ نیز کاربرد فراوانی دارد؛ بنابراین، این تکواژ در یزدی دو گونه /næ/ و /nɛ-/ دارد.

الف) چند مثال از تکواژ منفی /næ-/:

/næmikonæd/ → /næmokonɛ/ نَمُکُنَه «نمی‌کند»

/næmišinæd/ → /næmišine/ نِمِشینه «نمی‌نشیند»

/næmirævæd/ → /næmerɛ/ نَمِرِه «نمی‌رود»

ب) تبدیل تکواژ /næ-/ به /nɛ-/:

/nædaræd/ → /nɛdare/ نِدارِه «ندارد»

/nægu/ → /nɛgu/ نِگُو «نگو»

/næduz/ → /nɛduz/ نِدُوَز «ندوز»

۵-۲-۳. شناسه‌های فعلی: شناسه‌های فعلی در این گویش عبارتند از:

فارسی معیار	آوانگاری گویش یزدی	گویش یزدی
- آم	/-æm/	- آم
- ای	/-i/	- ای
- آد	/-ɛ/	- آ
- ایم	/-em/	- ایم
- اِد	/-ed/	- اِد
- آند	/-æn/	- آن

این شناسه‌ها به ستاک فعل در زمان‌های مضارع اخباری، التزامی، آینده، گذشته نقلی و گذشته بعید به کار می‌روند.

۵-۲-۴. حروف اضافه: در این گویش، علاوه بر حروف اضافه رایج در فارسی معیار، مانند از، تا، در، با و غیره حروف اضافه دیگری هم به کار می‌روند که برخی فقط از نظر آوایی متفاوتند و برخی دیگر از نظر واژگانی کاملاً متفاوتند و صرفاً در گویش یزدی کاربرد دارند.

الف). چند نمونه از حروف اضافه‌ای که از نظر آوایی با فارسی معیار متفاوتند، عبارتند از:

- برا /bera/ «برای»:

یتا بستنی برت ایسوندم. /yæta bæssæni berat ? isundæm/ «یک بستنی برایت خریدم».

- رو /ru/ «روی»:

یتا کتاب رو میز هشته. /yæta ketab ru miz hešte/ «یک کتاب روی میز گذاشته است».

- نزدیک /nezik/ «نزدیک».

- پلو /pælu/ «پهلوی».



ب) چند نمونه از حروف اضافه ای که با فارسی معیار کاملاً متفاوتند و عمدتاً در گویش یزدی به کار می‌روند؛ عبارتند از:

– تو /tu/ «در؛ داخل»:

ممدک تو خونه هه. /mæmmadok tu xunə hɛ/ «محمد در خانه است».

– گل /gæl/ «بر، به»:

لباساتا گل میخ بِن کن. /lebasata gɛle mix bæn kon/ «لباس‌هایت را به میخ آویزان کن».

– وج /væj/ «به جای، در عوض»:

اگر کمکم کنی مشقاما بنوسم، وجش منم مَلَم چرخما سووار شی.

/ʔegɛ komɛkom koni mæšqama benvesæm vɛjɛš mænæm mellæm čærxoma suwar ši/

«اگر به من کمک کنی که تکالیفم را بنویسم، در عوض من هم اجازه می‌دهم دوچرخه‌ام را سووار شوی».

– همپا /hæmpa/ «همراه با؛ با»:

همپا کی رفته بودی یز؟ /hæmpa ki ræftɛ budi yæz/ «همراه با چه کسی به یزد رفته بودی؟».

۵-۲-۵. حرف ربط: حروف ربط عمدتاً از نظر آوایی با فارسی معیار متفاوت هستند؛

چند مثال:

– اُ /-o/ «و»

– من و تو /mæno to/ «من و تو»

– خاطیری (که) /katiri (ke)/ «به خاطر اینکه، چون»

خاطیری مشقاما ننوشته بودم، نرفتم مدرسه. /xatiri mæšqama nænveštɛ budæm

nɛræftæm mædrɛsɛ/

«چون مشق‌هایم را ننوشته بودم، به مدرسه نرفتم».

– اِگه /ʔegɛ/ «اگر»:





اگر دیر بیری، در دوکونا مبدن. /?ege dir biri dere dukkuna mebændæn/

«اگر دیر بروی، در مغازه را می بندید».

- خُ /xo/ «که»:

در گویش یزدی این حرف ربط برای تأکید به کار می‌رود و در این گویش پرکاربرد

است؛ مانند:

من خُ نشکسَم /mæn xo næškessæm/ «من که نشکستم».

۵-۳. وندهای اشتقاقی و نحوی

واژه‌های اشتقاقی از طریق افزودن یک وند به یک کلمه به دست می‌آید. این فرآیند از

ترکیب پیشوند یا پسوند به واژه حاصل می‌شود.

الف) پیشوندها: بیشتر پیشوندها در گویش یزدی با فارسی معیار از نظر آوایی و معنایی

یکسانند، ولی در برخی از آنها تفاوت آوایی دیده می‌شود که در این جا به چند مورد اشاره

می‌شود.

۱) پیشوند نا /na-/، در گویش یزدی بیشتر به صورت /nɛ-/ و /næ-/ به کار می‌رود؛

مانند:

نزا /neza/ «نازا»؛ نپخته /nepoxte/ «نپخته»؛ شناس /næšnas/ «ناشناس».

۲) پیشوند بر /bær/ در اغلب موارد به صورت /væ(r)/ به کار می‌رود؛ مانند:

- وخی /væxi/ «برخیز»؛ وَر کردن /vær kerdæn/ «بر کردن».

مثال: اگه دیر بیای خونه، ماسورکتا برا بابات ور مکنم.

/?ege dir biyay xunɛ masureketa bra babat værmokonæm/

«اگر دیر بیای خونه، به پدرت می‌گویم (به پدر می‌گویم تو را تنبیه کند)».

۳) پیشوند باز /baz/ نیز در این گرایش به صورت /va(z)/ به کار می‌رود؛ مانند:

- واکردن /vakerdæn/ «باز کردن».

- واهستن /vaheštæn/ «بازگذاشتن».



مثال: یلک در او هل /yællək dəru va hel/ «یک لحظه (یک کم) در را باز بگذار».
 ب) پسوندها: در گویش یزدی، بسیاری از پسوندها با فارسی معیار یکسانند و برخی از
 پسوندها مانند: -fam/ فام -gon/ گون -yen/ ین -san/ سان در این گویش
 به کار نمی‌روند. برخی از پسوندها در یزدی فقط تفاوت آوایی دارند که در زیر به چند
 مورد اشاره می‌شود:

- پسوند -an/ در این گویش به -un/ تبدیل می‌شود؛ مانند:

خندون «خندان» /xændan/ → /xændun/

گلدون «گلدان» /goldan/ → /goldun/

- پسوندهایی که به /e/ پایانی ختم می‌شوند، /e/ پایانی در یزدی به /ɛ/ تبدیل می‌شود؛
مانند:

- چچه /čɛ/ → /čɛ/

باغچه /bayčɛ/ «باغچه»

طاقچه /taxčɛ/ «طاقچه»

- کده /kɛdɛ/ → /kædɛ/

دانشکده /daneškɛdɛ/ «دانشکده»

- وارِه /vare/ → /vare/

ماهواره /mahvare/ «ماهواره»

- ننده /ændɛ/ → /ændɛ/

گیرنده /girændɛ/ «گیرنده»:

نرنده /nerændɛ/ «نرینه؛ گوشت گوسفند نر مثل برّه».

- گونه /gune/ «گانه»:

بچه گونه /bečɛgune/ «بچه گانه».

بزرگونه /bozorgune/ «بزرگانه».

ج) پسوند تصغیر در گویش یزدی: یکی دیگر از پسوندهای پرکاربرد در گویش یزدی



پسوند تصغیر *-ok* / «-ک» که در معنای تصغیر، تحبیب، شباهت و تحقیر به کار می‌رود.

۱. تصغیر

- رضک دیر اومد خونِه. /*rezok dir ?umæd xunε*/ «رضا دیر به خانه آمد».
- یتا پَسک پنیر بده من. /*yæta pessok pænrir bede mæn*/ «یک کم پنیر به من بده».

۲. تحبیب

- حسنک پسر خوبیه. /*hæsænok posere xubiyε*/ «حسن پسر خوبی است».
- چه بچک خَشکیه. /*če bečoke xæšokiyε*/ «چه بچه خوشکلی است».

۳. شباهت

- تو این سرخ کمچلیک پُره. /*tu ?in særx kæmčelijok pore*/ «در این استخر بچه قورباغه زیاد است».

۴. تحقیر

- اون کچلکه آقه بد اداهه. /*?un kečelike ?qqæ bæd ?ædahe*/ «آن آدم کچل، خیلی بدخلق و خوی است».

د) میان واژه اتباع: کلمات اتباع معمولاً از ترکیب یک اسم یا صفت با یک واژه بی‌معنای دیگری که فقط از نظر آوایی با کلمه اول هماهنگی دارد، درست می‌شود که در گویش یزدی هم پرکاربرد است؛ مانند:

تر و تور /*tεr-o tur*/ «خیس»

فت و فراخ /*fatt-o ferax*/ «گل و گشاد»

چل و ول /*čel-o vel*/ «بی‌بند و بار»

جا و جم /*ja-w-o jom*/ «جا؛ فضا»

زه و زامون /*zeh-o zamun*/ «زاد و ولد»

لگ و لک /*lok-o pok*/ «کلفت؛ بزرگ»

لک و پک /lək-o pæk/ «آت و آشغال».

نتیجه گیری

زبان یزدی از کهن‌ترین و غنی‌ترین زبان‌های مرکزی در فلات باختری ایران به شمار می‌رود که هرچند در مقایسه با گویش معیار فارسی بیشتر به لحاظ ویژگی‌های آوایی و کاربرد واژگان بومی و تاریخی متفاوت است، با این حال در برخی موارد از مختصات دستوری و عناصر تکواژی نیز برخوردار است. در زبان یزدی، بیشتر انواع فرایندهای واجی، شامل: همگونی (همگونی همخوانی به صورت کامل، ناقص و پیشرو) و همگونی واکه‌ای، ناهمگونی، خیشوم‌شدگی، کشش واکه، مرکب‌شدگی واکه، حذف (همخوان، واکه و هجا)، قلب، ابدال (همخوان و واکه) کم و بیش به کار می‌رود. در این میان، فرایندهای حذف همخوان، به ویژه حذف همخوان /h/ و /ʔ/، خیشوم‌شدگی (قند: قن)، مرکب‌شدگی (آب: او) و انواع همگونی، کامل (اسنا: استاد)، ناقص (امبار: این بار)، واکه‌ای (خَنک: خَنک) از پربسامدترین فرایندها هستند. خیشوم‌شدگی فرآیندی است که در آن یک واکه تحت تأثیر همخوان خیشومی /n/ و یا خوشه همخوانی /nd/ مجاور خود خیشومی می‌شود.

تکواژ منفی در گویش یزدی همانند فارسی /næ-/ است که به صورت پیشوند قبل از فعل، اضافه می‌شود؛ در زبان یزدی، گونه /nɛ-/ نیز کاربرد فراوانی دارد؛ بنابراین، این تکواژ در زبان یزدی دو گونه /næ-/ و /nɛ-/ دارد: نَمِرِه «نمی‌رود»، نِداره «ندارد». گویش یزدی در کاربرد حروف اضافه و ربط بیشتر همانند زبان معیار فارسی است؛ البته جز تفاوت آوایی، برخی حروف اضافه هستند که عمدتاً در این گویش به کار می‌روند؛ مانند: تو /tu/ «در؛ داخل / گَل /gæl/ «بر، به» / وج /væj/ «به جای، در عوض» و... در گویش یزدی حرف ربط خُ /xo/ «که» برای تأکید به کار می‌رود و در این گویش پرکاربرد است؛ مانند: من خُ نشکسَم /mæn xo næškessæm/ «من که نشکستم». عدد ترتیبی نیز با افزودن مُ /-om/ یا مُمی /-omi/ به عدد اصلی به دست می‌آید ولی پسوند مُمین /-omin/ برای این منظور کاربرد ندارد. در گویش یزدی، بسیاری از پسوندها با فارسی معیار یکسانند؛ جز





این‌که برخی از پسوندها مانند: -fam/، -گون/ -gun/، -ین/ -yen/ و -سان/ -san/ در این گویش به کار نمی‌روند.



منابع و مآخذ

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷). **دستور تاریخی زبان فارسی**، چاپ ۷، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت).
- ارانسکی، یوسیف (۱۳۷۸). **زبان‌های ایرانی**، (ترجمه: علی‌اشرف صادقی)، تهران: سخن.
- افشار، ایرج (۱۳۸۹). **واژه‌نامه یزدی**، تنظیم و آوانویسی: محمدرضا محمدی، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). **مسائل زبان‌شناسی نوین**، چاپ ۴، تهران: نقش جهان، صافی هما.
- پاک‌نژاد، محمد و ویسی، الخاص (۱۳۹۵). «توصیف و تحلیل فرایندهای واجی گویش دزفولی بر پایه چارچوب نظریه بهینگی»، **ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین**، شماره ۱۳: ۲۲-۱.
- پورریاحی، مسعود (۱۳۷۴). **شناسایی گویش‌های ایرانی**، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- پولادی، میترا (۱۳۷۹). **توصیف ساختمان فعل در گویش بهدینان مرکز شهر یزد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی (چاپ نشده).
- ثره، یدالله (۱۳۶۹). «**تحلیلی بر رده‌شناسی زبان، ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی**»، **زبان‌شناسی**، ۷ (۱): ۸۰-۶۱.
- حبیب‌زاده میبدی، لیلی (۱۳۸۰). **بررسی ساخت‌واژه در گویش یزدی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی (چاپ نشده).
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۶). **آواشناسی**، تهران: آگاه.
- خامسی‌هامانه، فخرالسادات (۱۳۹۲). **تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی**، یزد: هومان.
- خانلری، پرویز (۱۳۸۲). **تاریخ زبان فارسی**؛ چاپ ۷، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو.
- رستم‌بیک، اتوسا (۱۳۸۳). «**ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد**»، **فرهنگ**، شماره ۵۲-۵۱: ۵۸-۴۵.
- رستم‌بیک تفرشی، اتوسا (۱۳۸۲). **طرح ملی گویش‌شناسی ایران (۴۰ روستا از استان یزد و همدان)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی (چاپ نشده).
- روبینز، آراچ (۱۳۹۳). **تاریخ مختصر زبان‌شناسی**، (ترجمه: علی‌محمد حق‌شناس)، چاپ

۱۲، تهران: نشر مرکز.

- زارع، علی اکبر (۱۳۸۰). بررسی مقایسه‌ای تکیه و آهنگ در گویش یزدی و فارسی معیار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی (چاپ نشده).

- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۷). تکوین زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.

- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸). دستور مفصل امروز، تهران: امیرکبیر.

- فیروزبخش، فرانک (بی تا): بررسی ساختمان دستوری گویش شهر یزد، تهران: فروهر.

- کلباسی، ایران (۱۳۷۶). راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی، یادنامه بهار، تهران: آگه.

- _____ (۱۳۵۵). زبان فارسی و زبان‌های محلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی.

- لده فوگه، پیتر (۱۳۸۷). دوره درسی آواشناسی، (ترجمه: علی بهرامی)، ویرایش ۵، تهران:

رهنما.

- مزدا پور، کتایون (۱۳۷۴). واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی؛ واژگان و پیوندهای ساختی، تهران:

سمت.

- _____ (۱۳۸۶). توصیف و آموزش زبان فارسی، چاپ ۳، مشهد: دانشگاه فردوسی

مشهد.

- _____ (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی بر پایه دستور گستاری، چاپ ۱۰، دانشگاه

فردوسی مشهد.

- نقیب‌القرآ، سیدعلی (۱۳۷۵). بررسی گویش یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی،

دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ نشده).





۱۰۲

سال دوم، شماره ۸
زمستان ۱۳۹۹

بررسی فرایندهای واجی و تکواژهای صرفی و اشتقاقی در گویش بزدی